

## آنچه در آینه جوان بیند

معروف است که انسان از تجربیات نسلهای گذشته درس نمی گیرد و هر دوره انسانها خطاهای گذشتگان را به گونه ای تکرار می کنند. مقاومت بیهوده در مقابل خواسته های نسل جدید از آن اشتباهاتی است که بارها در طول تاریخ تکرار شده است. والدین، در بسیاری از موارد، با هدف مقدس انتقال تجربیات خود به فرزندان و آموزش آنان به طور ناخودآگاه اهداف، آرزوها و روشهای خود را به جوانان تحمیل می کنند. می خواهند فرزندان خود را که به لحاظ ژنتیکی به ایشان شباهت دارند از نظر تفکر، رفتار و سلیقه نیز به خود شبیه سازند. برای پدر و مادر بسیار دشوار است که فارغ از احساسات ناشی از خودخواهی، باتوجه به استعدادهای واقعی، خواسته ها و سلیقه های فرزندان خود به تعلیم و تربیت ایشان بپردازند. در هر حال تا آنجا که به رابطه مستقیم پدر و مادر با فرزندان خود مربوط می شود عشق غریزی والدین به فرزندان بالاخره باعث می شود، پدر و مادر، اگرچه قبلاً نیز موافق نباشند، در پاره ای از موارد به خواست فرزندان خود تن در دهند. در اجتماع برخورد نسلها از انعطاف بسیار کمتری برخوردار است و اغلب موجب می شود نسل مسن تر که تمامی امکانات اقتصادی، مدیریتی و سیاسی را در دست دارد نظرها و سلیقه های خود را به نسل جدید تحمیل کند. در مورد هنرها که بالاخره مسئله سلیقه هم مطرح است وضع بسیار دشوارتر از سایر رشته هاست و در میان هنرها معماری بیچاره تر از بقیه. مسئله بسیار ساده است: نسل قدیم که امکانات اقتصادی را در اختیار دارد نمی خواهد برای خواسته ها و سلیقه های نسل جدید سرمایه گذاری کند، نمی خواهد جوانان را

جدی بگیرد و چیزی بسازد که آنان پسندند. زمانی هم که جوانان امروز جبراً یا قهراً فضای حرفه ای معماری را به خود اختصاص دهند در شرایط مشابهی قرار خواهند گرفت. اگر در ایران تحولی اساسی در این زمینه صورت نپذیرد تا دنیا دنیاست همواره معماری روز ما باید انعکاسی از دیروز باشد. در گذشته اگرچه بسیار سنتی بوده ایم ولی به هر حال هر نسل اجازه می یافت با شجاعت تمام معماری زمان خود را ایجاد کند و همتراز ملل دیگر و حتی جلوتر از ایشان گام بردارد. مسئله محافظه کاری امروز ما در معماری پدیده ای کاملاً جدید است و ابعاد آن با شرایط کاملاً متفاوت عصر ما به هیچ وجه مطابقت ندارد. به هر حال باید پذیرفت که به جلو رفتن یعنی گام گذاشتن در جایی که قبلاً تجربه نشده است. اگر بخواهیم فقط با تکیه بر روشهای تجربه شده و مطمئن یا با الهام گرفتن از تاریخ حرکت کنیم چگونه به جلو خواهیم رفت. البته اهمیت تجربه را نباید نادیده گرفت: آنچه در آینه جوان بیند پیر در خشت خام آن بیند». نسل جوان ما هم با این مسئله مخالفتی ندارد به شرط آنکه پیر باتجربه اگر روزی آینه ای پیدا شد که حقیقت را به صورتی موثرتر، شفافتر و دقیقتر از خشت خام نشان داد با خشت خام نکوبد وسط آینه و آن را بشکند. جوانان هم بپذیرند که آینه بیشتر مناسب چهره ایشان است و اگرچه پیر از آینه بگریزد طبیعی است.

بالاخره هر نسل روحیه، اهداف، آرزوها، الگوها و روشهای خود را داراست. جوانانی که انقلاب اسلامی را به راه انداختند، جهشی را در تاریخ ایران ایجاد کردند که بی سابقه بوده است. جوانان امروز که از سنن بسیار کم پای

صندوقهای رأی می روند تارنیس جمهور مورد علاقه خود را انتخاب کنند زندگی ای بسیار متفاوت با جوانان دیروز داشته اند. جوانانی که هم اکنون در دانشکده های ما تحصیل می کنند از شرایط متفاوتی می آیند. دوره خردسالی را در انقلاب گذرنده اند؛ در دوران کودکی جنگ را دیده اند؛ به جای الک دولک و روروك با کامپیوتر و ویدئوگیم (Video Game) بازی کرده اند؛ به جای نامه از طریق فاکس و اینترنت با دیگر جوانان ارتباط برقرار می کنند. شهر امروز را که توده ساختمانی چندصدهکتاری و پیچیده ای است، نه از طریق قدم زدن در کوچه های خلوت بلکه با اتومبیلهای سریع در حال رفتن از یک بزرگراه به بزرگراه دیگر تجربه کرده اند. مرکز شهر را که دیگر وجود هم ندارد به یاد نمی آورند، بلکه مراکز متعددی را که با فاصله زیاد از یکدیگر قرار گرفته اند می شناسند. برای ایشان نقشه های جغرافیایی قدیمی، با سطح وسیع سبزرنگ نشان دهنده جمهوری سوسیالیستی شوروی، غریبه است ولی اشکال متنوع خُرد و رنگارنگ جمهوری های جدید را به خوبی می شناسند. به جای تعالیم بوزار یا باوهاوس از تعالیم A.A و Cooper Union استفاده می کنند. در طراحی به جای لوکوربوزیه، رایت و میسون درو معمارانی چون آیزنمن، گهری، کولهاس و شیردل را سرمشق قرار می دهند. به جای شیتهای تمیز ترسیم شده با خط کش و گونیای ۴۵ درجه یا ۳۰ و ۶۰ درجه، فرمهای شکسته با خطوطی غیرموازی به زوایای ۵، ۷، ۱۱ یا ۱۳ درجه ترسیم می کنند. به جای گرانوس، مداد و راپید ترجیحاً از برنامه های گرافیک کامپیوتری و چاپگرهای رنگی لیزری استفاده می کنند. پلان، مقطع و نما را دوست ندارند، در عوض تصاویر جدیدی را تولید می کنند که مخلوطی از اینهاست ولی هیچ کدام به تنهایی نیست. این نسل به معماری کهنه دهه پنجاه و هفتاد میلادی یا معماری قهوه خانه ای مجموعه های تجاری آنچنانی نمی گوید «معماری کاربردی، متین،

معقول و مناسب فرهنگ ایرانی بلکه برای کشورش معماری پیچیده ای را می پسندد که اتفاقاً از نظر ساختاری بسیار بیشتر به شهرهای قدیمی ایرانی و اکوسیستم های طبیعی شباهت دارد. به جای تقلید مبتذل از چهارقوس و گنبد نفهمیده ترجیح می دهد از طریق درک واقعی جوهر علوم و فلسفه و الهام گرفتن از ساختار فیزیکی جهان به هویت جدید معماری که بی صبرانه منتظر آنیم تبلور بخشد. اینها همه تفاوت های منطقی بین اهداف، خواسته ها و روش های نسلی جدید که به آینده و جهان اطراف خود نظر دارد با نسل گذشته است. مخالفت با این تفاوتها نه تنها به معنی ضدیت با نسل جوان است بلکه به معنی نفی معماری امروز نیز هست. معماری ای که برخلاف معماری اوایل مدرنیسم صرفاً پدیده ای غربی نیست بلکه به دلیل رشد شدید ارتباطات، پدیده ای جهانی و فراگیر است. معماری مناسب امروز معماری ای است که باید دارای قابلیت انطباق، انعطاف پذیری و قابلیت توسعه بسیار زیاد باشد. باید بتواند به کاربری های بسیار متنوع و تغییرپذیر امروز پاسخ بگوید. این معماری با سازماندهی فضایی در مقیاسی وسیع و کمیت های بی سابقه سرو کار دارد و علی رغم حجم بیشتر کاری زمان کمتری را برای طراحی و اجرا در اختیار دارد. معماری حتی دو دهه قبل دارای این مشخصه ها نیست. معماری امروز اگرچه به لحاظ گاهشماری در ادامه معماری گذشته قرار دارد لیکن به لحاظ محتوی و روش کاملاً با آن متفاوت است. اتومبیل به لحاظ گاهشماری ادامه کالسکه است ولی در صنعت و هنر طراحی اتومبیل حتی در ایران به کالسکه مراجعه نمی شود. انقلاب صنعتی یکبار عصر جدیدی را در هنر و فن طراحی ساختمان آغاز نمود که بازگشت ناپذیر است. با پایان عصر صنعت به گونه ای مضاعف از گذشته فاصله گرفته ایم. امروز حتی مدرنیسم و پست مدرنیسم تاریخی شده اند. ما که به تاریخ علاقه داریم اجازه بدهیم تاریخ مهمترین وظیفه خود را انجام دهد و پدیده های گذشته را

تاریخی کند. گذشته نمی تواند همیشه حضور داشته باشد. بیابید معماری جدید جهان را دست کم نگیریم، این معماری دارای آن درجه از انعطاف است که در هر سرزمینی با شرایط فرهنگی و محیطی خاص آن تطبیق می یابد. زبان آن عجیب و غریب نیست، پیچیده است. ضد تاریخ و طبیعت نیست بلکه تعبیری جدید را از طبیعت و تاریخ ارائه می دهد؛ غیر قابل اجرا نیست، به تکنولوژی جدیدتر نیاز دارد؛ غیر انسانی نیست، به جای انسان ایده آل و ذهنی با انسانی واقعی سر و کار دارد. ضد شهر نیست، به جای تحمیل نظم خود بر شهر از ساختار پیچیده، لایه لایه، خوددرو و حتی اتفاقی آن الهام می گیرد. نامنظم نیست، به جای هندسه افیندسی از هندسه فراکتال و فولد و... استفاده می کند. در هر حال مسئله معماری جدید کاملاً جدی است و البته به جوانان ختم نمی شود. حتی در میان معماران بزرگتر نیز گرایش جدید طرفدارهایی دارد. از میان معمارانی که از گذشته در ایران فعالیت داشته اند محمدرضا جودت از اولین کسانی است که توجه خود را به طور جدی به مضامین نوین معماری معطوف نموده است و از طریق طرحها و کتابهایش به اشاعه آنها پرداخته است. میرمیران در چندسال اخیر با شوق و شور یک دانشجوی جوان به تجربیات سبک شناسانه جدیدی پرداخته است. صفامنش که از پژوهشگران با سابقه و مدافع ارزشهای تاریخی محسوب می شود نیز اخیراً ۱۸۰ درجه چرخش کرده و به روشی کاملاً متفاوت طراحی می کند. بهرام شیردل و فرشید موسوی خود نقش موثری در شکل گیری این زبان جدید داشته اند و حضور ایشان در حقیقت اثبات کرده است که معماری امروزی جهانی است و در پیدایش آن همه ملل به نوعی دخالت داشته اند. خلاصه شکی نیست که برای نسل جوان و معماری مورد توجه آن باید محنتی از اعراب قائل شد. به معماری جدید هم که تبئور خواست این نسل است باید امکان بروز داد و

برای این منظور باید از کلیه اندیشه های خلاق نوین اگرچه مخالف سلیقه گروهی باشد دفاع کرد.

به سوی آینده رفتن و پیشرفت خطراتی نیز در بردارد و بهایی نیز باید برای آن پرداخت شود. کشورهای دیگر نیز که پیشرفت کرده اند بهای پیشرفت را پرداخته اند. کافی است مخارج تجربه های ناموفق علمی را در نظر بگیریم. از ترس خطا کردن نمی توان به بازیافت روشها و مفاهیم شناخته شده تا فراسوی ابتذال پرداخت. نسل جوان فعلی که حضور وی در عرصه های اجتماعی و سیاسی بسیار تعیین کننده است، حق دارد به طور موثری در شکل گیری و تغییر شکل محیط زندگی خود ایفای نقش کند. دانشجویان و طراحان جوان اثبات کرده اند این شایستگی را دارند. در زمینه معماری آنجا که به جوانان موقعیتی برای ابراز وجود داده شده است گوی سبقت را از حرفه ایهای با سابقه برده اند. در مسابقات میدان بزرگ آذربایجان، طراحی پوسته فضا (ژاپن)، برج اداری - تجاری - ورزشی شهرداری منطقه ۳، مرکز فرهنگی - تجاری - تفریحی الغدیر، مسجد جابهاز، مجتمع مسکونی زعفرانیه، مکان خدمات عمومی در عصر چند رسانه ای (ژاپن) و خصوصاً مسابقه اخیر مجموعه سینمایی آزادی جوانان بسیار درخشیده اند. پس ضروری و منطقی است که از طریق مسابقات مختص جوانان و دیگر تمهیدات به این نسل امکان بروز داده شود. باتوجه به عدم موفقیت معماران نسل گذشته در ایجاد معماری ای با ارزش و قابل قیاس با آثار برجسته گذشته ایران یا آثار مهم معماری امروز جهان به هر دلیل و از دست رفتن فرصت جریان، این عقب افتادگی، ضروری و منطقی است روی نسل جوان سرمایه گذاری شود. نسلی که در سالهای آینده، تکرار می کنم، جبراً تمام محیط حرفه ای معماری را به خود اختصاص خواهد داد.

کامران افشار نادری